

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵) تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام "متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی" می‌توانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریع‌تر آورده شده است. خوشحال می‌شویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰، پیام‌رسان‌های ایتا و بله؛

صوت ۱۲۵ دلالة الاوامر الاضطرابية والظاهرية على الاجزاء

*- الاوامر الاضطرابية : مثلاً شما نمیتوانید ایستاده نماز بخونی مولی میگوید اضطراباً نشسته نماز بخوان.

*- الاوامر الظاهرية : بالآخره ما یک امر واقعی داریم که به اون دسترسی نداریم.

*- سخن در این است که آیا این اوامر اضطرابیه یا ظاهریه مجزی هستند یا نه ؟ مجزی هستند یعنی تکلیف را از گردن ما برمی‌دارد یا نه ؟ هم از باب اعاده و هم از باب قضاء مثلاً اگر اضطراب رفت کنار من باید دوباره نماز را قضاء کنم یا نه ؟

بحث‌هایی در اینجا مطرح است : - البته اینجا بیشتر بحث را باز میکنند و ارجاع میدهند به درس خارج خودشان -

نکته ای که در اینجا هست ببینید مولی میگوید اقیمو الصلاة ، یا ایها الذین امنوا اقیمو الصلاة ؛ این دلیل اقیمو الصلاة نسبت به امور دیگر اطلاق دارد. یعنی چی اطلاق دارد ؟ یعنی وقتی مولی بگوید نماز بخون چه اینکه صدقه بدهید چه اینکه صدقه ندهید، اینکه صدقه بدی یا ندهی این تاثیری در نماز شما ندارد. اون وجوبش هست. این نسبت به امر دیگری اطلاق دارد.

ثمره‌اش چیست ؟ همانی که گفتیم اون کارهای دیگر هرچند خوب باشد مسقط این صلاة نیست. از اینجا می‌خواهیم نتیجه بگیریم وقتی مولی میگوید اقیمو الصلاة عن قیام ؛ وقتی من نشسته می‌خوانم می‌خواهم بنیم این جلوس که متعلق امر اضطرابی است این مسقط این صلاة قیام است یا نه ؟ اصل اولی این است که این مسقط نماز ایستاده نیست. مولی نماز ایستاده خواسته نه نشسته؛ ولی در جلوتر بررسی میشود این اضطراب چکار میکند.

*- دلالة الاوامر الاضطرابية على الاجزاء عقلاً :

۲۸۲/۳ : در توضیح دلالت اوامر اضطرابی بر اجزاء، را بصورت عقلی می‌خواهیم بررسی کنیم که عقل این اجزاء میتواند بفهمد.

مثلاً انسانی نمیتواند نماز ایستاده بجا بیاورد اضطراباً ؛ درباره‌ی او حکم شده نماز نشسته باید بخواند. این امر اضطرابی گاهی اوقات مقید است و گاهی مطلق است.

حالت الف : امر اضطراری مقید است . خب سؤال تقیید آن به چیست ؟ به این است که عذر تا آخر وقت ادامه داشته باشد. اگر عذر تا آخر وقت ادامه داشته باشد اگر تا آخر وقت استمرار داشت و خوب نشدی میتوانی نماز را نشسته بخوانی. و در حالتی که یأس از خوب شدن باشد مثل کسی که پایش قطع است و اصلاً درست نمیشود.

حالت ب : یک حالت هم اینطوری است که می گوییم این امر اضطراری ما اطلاق دارد و نیازی نیست که تا آخر وقت استمرار داشته باشد. به صرف اینکه شما در اول وقت ناتوان بودید این امر اضطراری می آید و شما را مورد خطاب امر اضطراری است.

شهید اول حالت ب را میگوید؛ جایی که بگوییم دلیل امر اضطراری اطلاق دارد. اگر انسان آمد اول وقت نمازش را خواند بصورت نشسته، اگر گفتیم اوامر اضطراری مجزی امر اصلی است دیگر اعاده لازم ندارد. - این بحث در جایی که شما نماز مسافر میخوانی و وقت نگذشته که به وطن خود میرسید. -

در اینجا دو نوع تخییر بیان شده است :

حالت اول تخییر : یک صلاة اضطراری در اول وقت و صلاة اختیاری در آخر وقت. فرض این است این آدم اول وقت ناتوان است و تا آخر وقت توانا میشود و از عجز خارج میشود. این انسان مخیر میشود بین این دو حالت میان نماز نشسته در اول وقت یا نماز ایستاده در آخر وقت.

حالت دوم از تخییر : یک تخییر دیگر اینکه که بگوییم که این مخیر باشد بین دو چیز : یکی اهمیت دادن به امر اضطراری و اهمیت ندادن به امر اضطراری. بعد خود اهمیت دادن به امر اضطراری یعنی مخیر باشد بین اینکه اول وقت عاجزا بخواند یا آخر وقت با توانایی بخواند. یعنی مجموعه تخییر اول را یک کفه بذاریم و یک چیزی بهش اضافه کنیم و بگوییم فقط و فقط باید نماز ایستاده بخواند و باید تا آخر وقت صبر کند.

بررسی تخییر حالت اول : تخییر اول این بود که اختیار دارد بین اینکه اول وقت عاجزا بخواند یا آخر وقت با توانایی بخواند. خلاف این حالت این است که به نحو تعیینی، اول وقت نماز نشسته بر او واجب است چون امر اضطراری آمده و امر اضطراری امر است و موضوع آن عجز است و امر را دارد چون این شخص تمام موضوع است برای این امر تعیینی. هیچ کس قائل به این نشده است و میگویند اگر این آدم نماز اول وقت نشسته را نخواند و صبر کرد تا آخر وقت و توانا شد و ایستاده نماز خواند نمازش درست است و هیچ کس نگفته نمازش باطل است. پس اگر تعیین را نپذیریم تخییر را میتوانیم بپذیریم زیرا بالاخره امر اضطراری هم داریم و حالت جدیدی نسبت به زمانی که امر اضطراری نیست. پس تخییر وجود دارد بین اینکه اول وقت عاجزا بخواند یا آخر وقت با توانایی بخواند.

بررسی تخییر دوم :

در این حالت دوم تخییر میان اقل و اکثر است و محال است وقتی شما امر به جامع می کنید اکثر را ضمیمه می کنیم به اقل و میان عدم ضمیمه میان اکثر به اقل، این امر موجه نیست.

